



مقدمه

ماه رمضان، یکی از بهترین فرصت ها برای هدایت انسان هاست . سفره پر نعمت و بی دریغ الهی در این ماه در برابر انسان گشوده شده است . آخرین و کامل ترین اساسنامه زندگی بشری و بهترین متن تربیتی تاریخ پیامبران (قرآن کریم) در این ماه فرود آمده است. رمضان تنها ماهی است که خداوند نام آن را به صراحت در قرآن آورده و می فرماید: «شهر رمضان الذی انزل فيه القرآن . هدی للناس و بینات من الهدی والفرقان» (1) ؛ «ماه رمضان ماهی است که قرآن، برای راهنمایی مردم، و نشانه های هدایت، و فرق میان حق و باطل، در آن نازل شده است».

برجسته ترین ویژگی این ماه از دیدگاه الهی نزول قرآن در آن و نقش هدایتگرانه آن برای جامعه بشری است .

نیاز انسان به هدایت الهی

هدایت جامعه بشری، جریانی است که همزمان با خلقت انسان و جهان به فرمان الهی آغاز شده است . همانگونه که خلقت کار خداست و دیگران همه مخلوق و آفریده اویند، هدایت هم کار خداست و همه نیازمند معارف آسمانی، اخلاق الهی، و نظام اجتماعی برخاسته از وحی و قوانین و احکام الهی هستند . خداوند یگانه خالق عالم و آدم و تنها هادی انسان و جهان است . خلقت و هدایت دو جویبار پرفیض الهی است که از سرچشمه رحمت و حکمت پروردگار می جوشد و هیچکدام بدون دیگری کامل نیست .

از یک سو در سوره واقعه می خوانیم: «نحن خلقناکم فلولا تصدقون» (2)؛ «ما شما را آفریدیم، پس چرا تصدیق نمی کنید؟» و از سوی دیگر خداوند متعال امکانات دستیابی به هدف عالی آفرینش را در اختیار انسان قرار داده و در سوره «انسان» فرموده است: «انا هدیناه السبیل اما شاکرا واما کفورا» (3)؛ «ما به او راه نشان دادیم، حال یا شاکر است (و از نعمت ها درست بهره می گیرد) یا کفور (و ناسپاس) است.»

البته هدایت پذیری کاری کاملا اختیاری و آزادانه است و تا انسان شرائط مطلوب را در خود پدید نیاورد، امکان بهره گیری از جویبار هدایت وجود ندارد و حتی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله هم نمی تواند فردی را که خود نمی خواهد هدایت کند. قرآن کریم می فرماید: «افانت تسمع الصم او تهدی العمی ومن کان فی ضلال مبین» (4)؛ «آیا تو ناشنویان را می شنوایی و کوران را راه می نمایی و به کسی که در گمراهی آشکار است راه نشان می دهی؟»

در مقایسه بین دو جریان «خلقت» و «هدایت»، هدایت از ارزشی فراتر و عالیتز برخوردار است. خلقت پدیده ای غیر اختیاری است که انسان در پیدایش خود و دیگران هیچ قدرت انتخاب و اختیاری ندارد. خلقت زمین و زمان، انسان های کنونی و تاریخی، گذشتگان و آیندگان، افراد و گروه ها، آفرینش گیاهان و جانوران، آنچه می شناسیم و نمی شناسیم، همه و همه به دست خداست: «الم تر ان الله خلق السموات والارض بالحق ان یشا یذهبکم ویاث بخلق جدید» (5)؛ «آیا ندیدی که خداوند آسمان و زمین را به حق آفرید، اگر بخواهد شما را می برد و خلقی نوین می آورد.»

ولی «هدایت» فرایندی است که در پیدایش و تداوم آن خود انسان نقش دارد. هدایتگری کار خداست، ولی هدایت شدن و گمراه شدن با اختیار و انتخاب انسان پیوند دارد.

در سوره یونس می خوانیم: «قد جأکم الحق من ربکم فمن اهتدی فانما یتهدی لنفسه ومن ضل فانما یضل علیها وما انا علیکم بوکیل» (6) «براستی حق از سوی پروردگارتان فرود آمد. هر کس هدایت شد بسود خویش و هر کس گمراه گردید به زیان خود اوست و من بر شما وکیل نیستم.»

هادیان الهی، وظیفه دارند با استقامت در دعوت و بلاغ مبین و نهایت کوشش و تدبیر و تحمل مشکلات، راه را از بیراهه مشخص کنند و زمینه و بستر هدایت را برای همه فراهم آورند، ولی هدایت پذیری شرائط دیگری دارد که در این موضوع هم باید به سراغ قرآن رفت و پرسید، چرا برخی افراد هدایت نمی شوند؟

ارزش و اهمیت هدایتگری در حدی است که «علم القرآن» قبل از «خلق الانسان» یادآوری می شود و «خلقت» انسان مولود «کرم» الهی و «آموزش» انسان نتیجه «اکرم بودن» خدا معرفی می گردد: «اقرا وربک الاکرم. الذی علم بالقلم» (7)

اگر در اندیشه دینی ما، پدر فکری، فرهنگی از والدین نسبی و جسمانی مهمتر شناخته می شود و انبیاء و اولیاء الهی حقی فراتر از والدین بر انسان دارند، و اگر اضلال و گمراهگری مردم گناهی بزرگتر از قتل عام آنان محسوب می شود، همه و همه، شاهد جایگاه والای هدایت و قامت زیبای تربیت الهی است.

در فرهنگ اسلامی، احیای فرهنگی با احیای فیزیولوژیک و احیای اقتصادی، قابل مقایسه نیست و میدان دادن و حمایت کردن از رسانه ها و مطبوعات گمراهگر جنایتی بزرگتر از قتل عام و کشتارهای وحشیانه انسان ها است. امروزه اضلال و گمراهگری جامعه نسبت به معارف قرآن و حدیث و فرهنگ پیامبران و بایدها و نبایدهای تاریخ انبیاء کاری است که در مطبوعات غرب سالار و مردم شعار هنوز هم ادامه دارد و مبلغان گرامی و عالمان دین باید سال ها تلاش کنند، تا بیماران امواج مسموم رسانه ای و مجروحان بمباران شیمیایی فرهنگی سال های پس

از جنگ را درمان کنند و انفاس قدسی مسیح علیه السلام لازم است که برخی مقتولان تهاجم فرهنگی را زنده کند

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «من قتل نفسا بغير نفس او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعا ومن احياها فکانما احيا الناس جميعا» (8) فرموده است: «هر کس شخصی را از گمراهی به سوی هدایت برون آورد، گویی وی را حیات بخشیده و هر کس شخصی را از فکر و اندیشه درست و الهی به گمراهی بکشد، گویا وی را کشته است.» (9)

دموکراسی و پیامبران

آن ها که دموکراسی را به جای دین سالاری و خدا سالاری تبلیغ و ترویج می کنند، دانسته و یا ندانسته اکثریت جامعه را فهیم تر و بر حق تر از خدا و پیامبر و معصومین علیهم السلام می دانند و بزرگترین خیانت را به فرهنگ و اندیشه روا می دارند، و در برابر آیات صریح قرآن موضع گرفته اند . حق و باطل و درست و نادرست را هرگز با ترازوی اقلیت و اکثریت و آمار و کمیت نمی توان سنجید و پیامبران خدا روزی که مبعوث می شدند، با اکثریت های فریب خورده و غافل و ناآگاه مواجه بودند .

اگر تشخیص اکثریت و انتخاب و آراء و رفتار اکثریت در هر شرایطی حق است و منطقی و قابل قبول و اجراء و اقدام، نیازی به پیامبران و تلاش های فراوان آنان نبود، زیرا همیشه در جوامع بشری اکثریت و اقلیت وجود داشته و همیشه هم بشر عقل داشته است .

اکتفا به عقل فردی و جمعی در برابر وحی و نبوت، شعاری شرک آمیز و خطرناک است . تکیه بر خواست و تشخیص اکثریت و دموکراسی در برابر وحی و قرآن و سنت چیزی نیست که در جوامع مسلمان و دنیای اندیشمندان قابل طرح و دفاع باشد . بهتر است منادیان «مردم سالاری» قید دینی را بیفزایند و گونه دموکراسی مطلق نه تنها شعاری ضد وحی و نبوت، بلکه ایده ای مخالف عقل و آزادی و عدالت است . از دموکراسی هدایت شده و مردم سالاری دینی می توان دفاع کرد، ولی دموکراسی مطلق سر از انکار حق و باطل در تکوین و تشریع برمی آورد و مردم سالاری مطلق شعاری دقیقا ضد مردمی و در جهت انکار عقل و آزادی و عدالت راستین است که نه در دنیای خرد و اندیشه قابل دفاع است و نه در عینیت جامعه امکان وقوع دارد و شعاری است که برای فریب ساده لوحان مفید است .

عالمان دین و مبلغان گرامی که مسؤول هدایت جامعه بشری و امت اسلام اند، باید با تمام توان در فهم سخن خدا و معصومین علیهم السلام بکوشند و در ابلاغ آن از هیچ اقلیتی و اکثریتی نهراهند، و برای اجرای آن برنامه ریزی کنند . «الذین یبلغون رسالات الله ویخشونه ولا یخشون احدا الا الله وکفی بالله حسیبا» (10) ؛ «(پیامبران پیشین) کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند و از هیچ کس جز خدا بیم نداشتند؛ و همین بس که خداوند حسابگر است .»

مخالفت با نظارت استصوابی شورای نگهبان و محدود کردن ولایت فقیه تحت هر شعار و عنوانی که مطرح شود، تلاشی بسوی دین زدایی و مخالفت آشکار با جمهوری اسلامی است. نمی توان بر کرسی ریاست «جمهوری اسلامی» تکیه زد و بر پایه اسلامیت این نظام در عمل و گفتار تیشه و تبر فرود آورد. اسلامیت مهمترین رکن جمهوری اسلامی است. رسالت عالمان دین و مبلغان، پاسداری از نظام اعتقادی مسلمانان، پاسداری از نظام اجتماعی مسلمین و پاسداری از دستاوردهای پیامبران و سلامت رفتار و اخلاق و اندیشه مسلمانان و هدایت جامعه بشری بسوی فرهنگ قرآن و سنت رهبری اهل بیت نبوی است.

مبلغان گرامی باید مشکلات فرهنگی و امراض روحی و روانی عصر خویش را بشناسد و همچون طبیبی دوار و درمانگاهی سیار به درمان بیماران فکری، فرهنگی و قربانیان نظام تبلیغاتی شیطان و رسانه های استکبار برخیزند و با تفسیرهای آمریکایی از اسلام و اندیشه دینی و مروجان فرهنگ غربی و منادیان ارتباط و آشتی و دلالت شناخته و ناشناس صهیونیسم جهانی و آمریکای جنایتکار مبارزه کنند و فریب شعارهای دروغین آزادی، دموکراسی، پیشرفت و صلح تمدن، و استانداردهای جهانی را نخورند. زیرا در تفسیر نظام رسانه سالار صهیونیسم جهانی و یاران بوش، هرگونه دفاع از اسلام و مسلمانی تروریسم است و هر گونه تهاجم به اسلام و مسلمانان، تلاش برای دموکراسی و صلح و امنیت جهانی.

تبیین حقایق اسلام ناب محمدی و افشای ماهیت آمریکا و نظام استکباری حاکم بر سیاست و اقتصاد و صنعت و فرهنگ دنیای امروز، رسالت عظیم و دشوار عالمان دین و مبلغان راستین اسلام است و بی جهت نیست که امام عسکری علیه السلام به نقل از پدر بزرگوارش از امام موسی بن جعفر علیه السلام چنین نقل فرموده است: «فقیه واحد ینقذ یتیمنا من ایتامنا المنقطعین عنا ومشاهدتنا بتعلیم ما هو محتاج الیه اشد علی ابلیس من الف عابد، لان العابد همه ذات نفسه فقط و هذا همه مع ذات نفسه ذات عباد الله وامائه لینقذهم من ید ابلیس ومردته فذالك هو افضل عند الله من الف الف عابد والف الف عابدة (11)»؛

(وجود) یک دین شناس راستین که بی پناهی از ایتام ما را که از (فرهنگ) ما دور افتاده و از مشاهده ما محروم شده است، با آموزش آنچه به آن نیاز دارد نجات دهد (و او را رهایی بخشد) بر شیطان از هزار عابد دشوارتر است. زیرا عابد فقط به فکر (نجات) خویش است و این گونه عالم به (رهایی) خود و دیگر مردان و زنان از بندگان خدا می اندشید. تا آنان را از دست شیطان و نوکرانش رهایی بخشد. بنابراین این نوع عالم دینی از یک میلیون مرد و زنی که اهل عبادت باشند، برتر است.»

صاحب‌دلی به مدرسه آمد زخانقاه

بشکست عهد صحبت اهل طریق را

گفتم میان عالم و عابد چه فرق بود

تا اختیار کردی از آن این فریق را

گفت آن گلیم خویش به درمی برد ز موج

وین سعی می کند که بگیرد غریق را

پی نوشت ها :

(1) بقره/185 .

(2) واقعه/57 .

(3) انسان/3 .

(4) زخرف/40 .

(5) ابراهیم/19 .

(6) یونس/108 .

(7) علق/3 و 4 .

(8) مائده/32 . «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته، و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است».

(9) بحار الانوار، ج 2، ص 20 .

(10) احزاب/39 .

(11) بحار الانوار، ج 2، ص 5 .